

الگوی پارادایمی ارتقاء تاب آوری اقتصادی کوچ نشینان در ایران

جواد حاجی علی زاده* - استادیار گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

صادق عبدالمهدی - دانش آموخته کارشناسی گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۰۳ تیر ۱۴۰۴

چکیده

مقدمه: در دهه‌های اخیر، زندگی کوچ‌نشینی و عشایری، به دلیل نوع معیشت و سطح پایین تاب‌آوری در قیاس با یکجانشینان، روز به روز تمایل به این سبک از زندگی، کاهش می‌یابد؛ به طوری که در اثر دخالت عوامل متعددی در سطوح محلی، ملی، بین‌المللی با مولفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی، ابعاد مختلف جامعه کوچ‌نشینان دچار از هم گسیختگی شده است و این شرایط باعث شده تا کوچ‌نشینان از ادامه وضعیت ناراضی باشند و برای توسعه و بهبود معیشت و زندگی، گرایش شدیدی به اسکان دائمی جهت برخورداری از امکانات نوین دارند.

هدف پژوهش: این پژوهش باهدف بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران انجام پذیرفته است. پژوهش حاضر از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و با توجه به ماهیت و شیوه اجرای پژوهش به صورت اکتشافی با رویکرد کیفی داده بنیاد صورت پذیرفته است.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران با روش گردن‌توری (نظریه داده بنیاد) و شیوه اکتشافی انجام شد. پس از طراحی و اعتبارسنجی سوالات مصاحبه، تعداد ۱۲ نفر از اساتید متخصص با حداقل ۵ سال سابقه در حوزه کوچ‌نشینی به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و با پیش‌شرط تعهد اخلاقی پژوهشگران، فرایند مصاحبه آغاز شد و پاسخ‌دهندگان ضمن پاسخ به سوالات در خصوص تایید مولفه‌ها و شاخص‌های گردآوری شده نیز، نظرات خود را ارائه کردند. در نهایت بر اساس تحلیل‌های انجام شده، مدل پارادایمی عوامل مؤثر به تفکیک مقوله‌ها و نمودار ارتباطی بین کدها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA-20 ترسیم شدند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: این پژوهش در عرصه زیستی کوچ‌نشینان ایران انجام پذیرفته است.

یافته‌ها و بحث: برپایه تحلیل‌های این پژوهش، مدل پارادایمی عوامل مؤثر به تفکیک مقوله‌ها و نمودار ارتباطی بین کدها، که در فاز اول پایایی بین کدگذاری محققان این پژوهش، ۸۲/۹۶ درصد تعیین و قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تایید شد. در فاز بعدی، کدگذاری متون مصاحبه‌ها انجام شد. بر اساس تحلیل‌های انجام شده در نهایت تعداد ۲۵۴ کدمفهومی (۶۵۹ تکرار) و ۲۰ مقوله اصلی استخراج شدند.

نتایج: نتایج این پژوهش ضمن ارائه یک الگوی پارادایمی، چهار علت اصلی، چهار عامل زمینه‌ساز و دو عامل مداخله‌گر را مشخص کرد که با کنترل آن‌ها در اثر اجرای هفت راهبرد ارائه شده می‌توان به سه پیامد انگیزه‌بخشی و بهبود عملکرد، کیفیت زندگی و رضایت شخصی، امنیت اقتصادی و معیشت پایدار در تأثیر گذاری بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران دست یافت.

کلیدواژه‌ها: تاب‌آوری اقتصادی، کوچ‌نشینان، ایران، تئوری گردن.

مقدمه

زندگی کوچ‌نشینی و عشایری، یکی از سبک‌های زندگی محسوب می‌شود که به دلیل نوع معیشت و سطح پایین تاب‌آوری در قیاس با یکجانشینان، روز به روز تمایل به این سبک از زندگی، کاهش می‌یابد؛ آشکارترین نمود این تمایل، تبدیل زندگی کوچ‌چندگی به نیمه کوچ‌چندگی، رمه گردانی، دهواره نشینی و در نهایت به سوی یکجانشینی است (مه‌دوی و همکاران ۱۳۸۸: ۱۴۳). به طوری که در اثر دخالت عوامل متعددی در سطوح محلی، ملی، بین‌المللی با مولفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و روانشناختی، ابعاد مختلف جامعه کوچ‌نشینان دچار از هم گسیختگی شده است و این شرایط باعث شده تا کوچ‌نشینان از ادامه وضعیت ناراضی باشند و برای توسعه و بهبود معیشت و زندگی، گرایش شدیدی به اسکان دائمی جهت برخورداری از امکانات نوین دارند (شکوری و خدادادی، ۱۳۹۳: ۵۰؛ مطیعی‌لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۹). یکی از مهمترین رهیافت‌های نوین در توسعه پایدار، رهیافت تاب‌آوری اقتصادی است. این رهیافت شیوه‌ای و تلاشی برای دستیابی به توسعه است و بهتر می‌تواند زمینه بهبود شرایط زیست و معیشت را فراهم آورد، زیرا هدف و ایده اصلی تاب‌آوری اقتصادی استفاده از منابع، دارایی‌ها و سرمایه‌های موجود می‌باشد. بنابراین تاب‌آوری اقتصادی و معیشتی در کنار رفاه پایدار، با توجه به اصل پایداری می‌تواند ضمن تلفیق مناسب دارایی‌ها و منابع مادی و انسانی، روش‌های حذفی و محدودکننده جوامع کوچ‌نشین را به سمت بهره‌برداری بهینه و ظرفیت‌سازی سوق دهد (یاری‌حصار و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰؛ ترینسو و همکاران، ۲۰۲۳: ۹). لذا می‌توان عوامل بسیاری را در ارتقای تاب‌آوری معیشت خانوارها دخیل دانست، یکی از مهمترین عوامل، وجود شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی و اقتصادی در بین جوامع آسیب دیده در شرایط فعلی است.

نظام سلامت و بهداشت عمومی از دیگر عوامل مهمی محسوب می‌شوند که می‌توانند سبک زندگی کوچ‌نشینان را تغییر دهند؛ به طوری که تراژوره و همکاران (۲۰۲۲: ۴۲۳) در پژوهشی اردوگاه‌های عشایری شش کشور ساحلی (بورکینافاسو، چاد، نیجریه، مالی، موریتانی، سنگال) را از نظر تاثیر عوامل بهداشتی بررسی کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فاصله زیاد بین مراکز بهداشتی و کوچ‌نشینان، باعث ایجاد شکاف در ارائه خدمات بهداشتی می‌شود و همین موضوع در حوزه‌های حساسی مثل کنترل بیماری سل، یک مشکل عمده به شمار می‌آید که می‌تواند تاب‌آوری و تحمل کوچ‌نشینان را کاهش دهد. کاباستا و همکاران (۲۰۲۳: ۱۰۵) پژوهشی با هدف بررسی آسیب‌پذیری معیشت عشایر در برابر تغییرات اقلیمی بر روی ۶۸ خانواده پارک‌های ملی لنگتانگ و شی فکساندو نپال انجام دادند. یافته‌های این پژوهش نشان دادند هر دو منطقه از نظر تغییرات اقلیمی دارای آسیب‌پذیری متوسط هستند ولی انعطاف‌پذیری و سازگاری پایینی دارند. به بیان دیگر مطابق نتایج این پژوهش، حساسیت زیستگاه و کاهش تاب‌آوری اجتماعی می‌تواند بر سازگاری جوامع عشایر تاثیر گذار باشند.

ساززاد و همکاران (۲۰۲۴: ۳۱۱) در پژوهشی، پایداری معیشتی و آسیب‌پذیری کوچ‌نشینان شیلات بنگلادش را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با پیشرفت تکنولوژی و زیرساختی، فرهنگ کهن جامعه عشایری در آستانه انقراض است؛ به طوری که عوامل طبیعی مثل تغییرات آب و هوایی و عوامل انسانی مثل وابستگی به یک حرفه، نبود گزینه‌های مناسب درآمدی و طرد اقتصادی از طرف صاحبان ثروت با تاثیر منفی بر روی فرهنگ کوچ‌نشینان، باعث کاهش تاب‌آوری معیشتی آن‌ها و میل به تغییر سبک زندگی می‌شود. در پژوهش فراتحلیل انجام شده توسط علی و همکاران (۲۰۱۹: ۱۰۲)، پژوهش‌های منتشر شده بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۹ با هدف شناسایی عوامل موثر بر سازگاری کوچ‌نشینان بررسی شدند. یافته‌های فراتحلیل نشان می‌دهد که عوامل خارجی (انزوای جغرافیایی، پویایی‌های اجتماعی-فرهنگی، عوامل لجستیکی و سیاسی) و داخلی (سبک زندگی، هنجارها و شیوه‌ها، ادراکات) بر سازگاری و مشارکت کوچ‌نشینان موثر هستند.

تاکنون مطالعات عدیده‌ای راجع به اقتصاد عشایری انجام شده که مواردی از آن در ادامه بیان شده است. بررسی سابقه موضوع روشن می‌سازد که کمتر مطالعه‌ای به بررسی و تحلیل فضایی ظرفیت‌های اقتصاد عشایری در بطن نواحی و مکان‌های جغرافیایی پرداخته است و این رویکرد بایستی در راستای کمک به امر برنامه‌ریزی فضایی و اقتصاد فضا در ارتباط با جامعه عشایری گسترش یابد.

شاطری و حجتی‌پور (۱۳۹۹: ۲۸) پس از مطالعه‌ای با عنوان "بررسی ظرفیت، استعداد و زمینه‌های اشتغال در مناطق عشایری استان خراسان جنوبی" دریافته‌اند که ظرفیت‌های عدیده‌ای در عرصه‌های عشایری وجود دارد که نیازمند حمایت معنوی و مادی از جانب دولت برای به فعلیت درآوردن آن می‌باشد؛ برای درمان موقتی مسأله نبود اشتغال و کم درآمدی خانوارهای عشایر بایستی در وهله اول تأکید و اهتمام جدی بر توسعه فعالیت‌های دامداری و دامپروری داشت. چراکه سابقه و تجربه چند نسلی عشایر به فعالیت‌های دامداری و کمبود تجربه‌شان در حوزه‌هایی نظیر کشاورزی نشان داده است و حتی در مناطقی که ظرفیت‌هایی برای زراعت و باغداری در اختیار ایشان بوده، دارای بهره‌وری پایینی است. در صورت تعلل و نادیده انگاری وضع موجود، به نظر می‌رسد در آینده‌ای نه چندان دور، سرمایه‌های موجود در فضاهای عشایری استان، دور از دسترس چرخه اقتصادی خواهند ماند و جمعیت عشایر استان به خیل عظیم بیکاران چشم انتظار در شهرها ملحق خواهند شد. علی‌آبادی و

همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان "بررسی اقتصاد تولیدات عشایر زیست‌بوم میانه" دریافته‌اند که در زیست‌بوم میانه میانگین دام هر خانوار عشایری ۱۰۷/۶ رأس بوده و همچنین از نظر درآمد، ۷۷ درصد از درآمد خانوار عشایری از پرورش و فروش دام و ۱۹/۴ درصد درآمد آنان از تولید و فروش شیر تأمین می‌شود. یاسوری و کشوری (۱۳۹۱) دریافته‌اند که در سال‌های مورد مطالعه، به علت خشکسالی درآمد عشایر از فعالیت‌های جنبی نظیر باغداری و زراعت ناچیز بوده و رکن اصلی تأمین درآمد و اقتصاد آنان "دامداری" بوده است. همچنین در مقایسه با عشایر اسکان یافته نیز، اگر عشایر کوچ‌رو دارای حداقل ۲۰۰ رأس دام باشند، رضایت درآمدی خواهند داشت (شکور و رضایی ۱۳۸۹: ۹۶۵). نتیجه‌گیری نموده‌اند که عشایر دارای ضعف مالی هستند و بایستی برنامه‌ریزی به منظور توسعه این بنیان‌های اقتصادی متناسب با محل زندگی افراد صورت گیرد (حجی-پور، ۱۴۰۰). مطابق پژوهش غزالی و زیبایی (۱۹۳: ۱۴۰۱) که با هدف بررسی تاثیر راهبردهای معیشتی بر کاهش فقر خانوارهای عشایر مراتع شمال استان فارس انجام شد، گرایش به تنوع‌فعلیتی و شغلی تا ۵ درصد می‌تواند شاخص فقر خانوارهای عشایر را کاهش دهد و از طرفی تا ۴ درصد شاخص پایداری مراتع را بهبود بخشد؛ که این موضوع می‌تواند به تاب‌آوری معیشتی کوچ‌نشینان منجر شود. کلانتری و همکاران در مقاله خود اذعان داشتند که برای ایجاد تحول اقتصادی و به تبع آن تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان چگونگی روابطشان با مناطق روستایی و شهری پیرامون تاثیر دارد.

از آنجا که صنعت گردشگری می‌تواند وضعیت زندگی جوامع مختلف را تحت‌تاثیر قرار دهد، توجه به شاخص‌های گردشگری و توسعه آن‌ها امری مهم تلقی می‌شود؛ به طوری که در پژوهش جمینی و همکاران (۱۴۰۲: ۶۶) با هدف بررسی تاثیر شاخص‌های گردشگری بر توسعه پایداری عشایر، مشخص شد که توجه به این شاخص‌ها ۳۶ درصد توسعه پایداری را تبیین می‌کند و در میان شاخص‌های گردشگری (مدیریتی-ساختاری، فرهنگی-اجتماعی، بهره‌وری اقتصادی، زیست محیطی)، شاخص سازگاری اجتماعی-فرهنگی با ضریب بتای ۰/۵۵۶، بیشترین تاثیر را بر توسعه پایداری در قلمروهای عشایری ایران دارد. همچنین بر اساس یافته‌های جعفری و همکاران (۱۴۰۲)، اجرای زیرساخت‌های مناسب سکونت و اسکان عشایر می‌تواند بر کیفیت زندگی عشایر تاثیرگذار باشد؛ به بیان دیگر اسکان مناسب و کم هزینه می‌تواند بهبود سازگاری اقتصادی و اجتماعی جوامع کوچ‌نشین را به دنبال داشته باشد.

خانواده‌های کوچ‌نشین نیز در کنار جوامع روستایی، نقش قابل توجهی در تولیدات دامی ایفا می‌کنند ولی تخریب مراتع و نوسانات قیمتی باعث شده است که در دهه‌های اخیر، شاهد افزایش کنترل نشده قیمت محصولات و نهاده‌های دامی باشیم؛ به طوری که بر اساس پژوهش‌های میرزایی و همکاران (۱۴۰۲: ۴۳۰)، اگر روند فعلی نوسانات قیمتی ادامه پیدا کند، تا ده سال آینده، شاهد فروش دام‌های عشایر و از بین رفتن زندگی عشایری خواهیم بود؛ چراکه قیمت فرآورده‌های دامی علی‌رغم تاثیر مثبت بر سود دامداران، فشار وارده بر مراتع را کاهش می‌دهد و تاثیر منفی بر پایداری مراتع دارد که می‌تواند انعطاف‌پذیری معیشتی را در جوامع عشایر کاهش دهد. البته باید توجه داشت که در کنار نوسانات قیمتی، توجه به مولفه‌های بانکداری اجتماعی (سود، مردم، محیط‌زیست) و سرمایه اجتماعی (آگاهی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی) می‌تواند توسعه پایداری جوامع روستایی و عشایری را محقق سازند (میرزاخانی و همکاران، ۱۴۰۲: ۳۹۰). همچنین توسعه حمایت‌های معیشتی دولت مثل امکانات آموزشی و زیرساخت‌های بهداشتی در کنار تامین آب شرب دام و خانواده و افزایش یارانه‌های دولتی در توزیع نهاده‌های دامی، می‌تواند با خنثی کردن تاثیر شدید نوسانات قیمتی، به پایداری شغلی عشایر کمک شایانی کند (شهرکی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۸۵). آزموده و لفافچی (۱۴۰۳) طی پژوهشی، نشان دادند که استفاده از زیرساخت‌هایی با هزینه کمتر، می‌تواند سازگاری عشایر را افزایش دهد و از طرفی به حفظ جایگاه و درآمدزایی آن‌ها منجر شود.

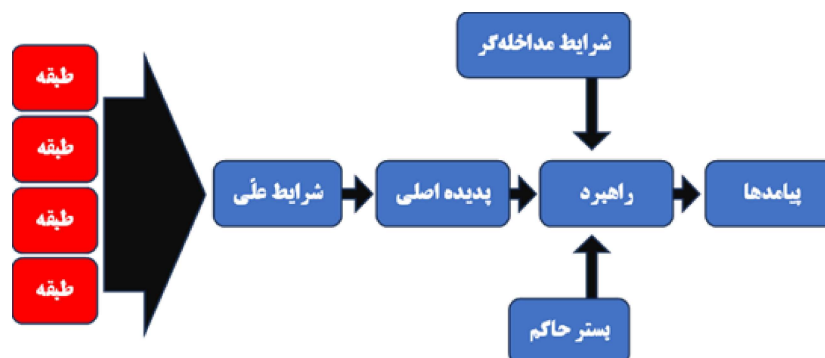
از آنجا که در ایران زندگی کوچ‌نشینی به عنوان یکی از سبک‌های زندگی در کنار زندگی شهری و روستایی، جوامع به خصوصی را به خود اختصاص داده‌است، بهبود معیشت و اقتصاد این حوزه از طرفی و افزایش تاب‌آوری از جهات مختلف به خصوص اقتصادی، می‌تواند به رضایتمندی این جوامع منجر شود؛ با بررسی پژوهش‌های مختلف، ضعف اصلی در ارائه الگوی پارادایمی تاب‌آوری کوچ‌نشینان مشاهده شد؛ فلذا با توجه به ضعف مبانی نظری در این خصوص، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که کدام عوامل بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران موثر هستند؟ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران از طریق ارائه الگوی پارادایمی مبتنی بر رویکرد گرند تئوری می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که با هدف شناسایی عوامل موثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران با روش گردند تئوری (نظریه داده بنیاد) و شیوه اکتشافی انجام شد. در این پژوهش، ابتدا پرسشنامه ۱۵ سوالی محقق ساخته به منظور بررسی میزان انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان در اختیار ۱۳ نفر از متخصصان این حوزه قرار گرفت. سوالات این پرسشنامه بر مبنای طیف لیکرت تنظیم شدند که بر مبنای نظرات سه نفر از متخصصان غیر از نمونه آماری، نمره اهمیت پاسخ‌ها برای همه سوالات به ترتیب خیلی کم (۱)، کم (۲)، نظری ندارم (۳)، زیاد (۴) و خیلی زیاد (۵) تعیین گردید که پایایی آن با روش همسانی درونی، آلفای گرونیباخ ۰/۷۹۳ را نشان داد که پایایی را تایید می‌نماید. همچنین روایی پرسشنامه با روش روایی صوری، توسط سه صاحب‌نظر تایید و اصلاحات لازم در سوالات پرسشنامه اعمال گردید و در نهایت، پس از ارائه پرسشنامه به نمونه آماری، پاسخ‌ها با نرخ بازگشت ۹۲/۳۰ درصد (۱۲ نفر) جمع‌آوری شد. پس از بررسی نتایج پرسشنامه و با مطالعه ادبیات، سوالات مصاحبه به صورت اکتشافی باز پاسخ طراحی و پس از انجام مصاحبه، داده‌ها به شیوه تحلیل محتوا (کدگذاری واحد تحلیل، مقوله‌ها و واحد ثبت) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

برای انجام مصاحبه میدانی، جامعه آماری پژوهش را اساتید متخصص و با حداقل ۵ سال سابقه در حوزه کوچ‌نشینی تشکیل می‌دادند و نمونه آماری به تعداد ۱۲ نفر و به صورت هدفمند برای مصاحبه‌های کیفی در حیطه موضوع پژوهش انتخاب شدند (مصاحبه با ۱۲ نفر از آن‌ها تا رسیدن به سطح اشباع داده). پس از تحلیل ادبیات و بر مبنای سوالات، مصاحبه با اعضای نمونه آماری برای شناسایی فهرست عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران، انجام شد. ملاک‌های ورود به نمونه آماری و انجام مصاحبه سه فاکتور را شامل می‌شدند؛ داشتن حداقل پنج سال سابقه ارتباط (میدانی یا مطالعاتی) با جوامع کوچ‌نشین، داشتن مدرک دکترا در حوزه‌های مرتبط با موضوع پژوهش و رضایت برای مشارکت در پژوهش این سه مورد هستند که فقدان هر فاکتور به عنوان ملاک‌های خروج در نظر گرفته شدند. بر این اساس، پس از احراز ملاک اول و دوم و اعلام موافقت با ملاک سوم با پیش شرط تعهد اخلاقی پژوهشگران مبنی بر حفظ اطلاعات شخصی، مصاحبه اکتشافی با روش بدون ساختار (مصاحبه عمیق) با رعایت اصول بیان سوالات (عدم بیان سوالات با بار عاطفی، شدت و جهت‌دار) و بر اساس سوالات مستخرج از مرحله قبلی (با در نظر گرفتن انعطاف در طرح سوال حین مصاحبه) انجام شد. در مصاحبه انجام شده، پاسخ‌دهندگان ضمن پاسخ به سوالات در خصوص تایید مولفه‌ها و شاخص‌های گردآوری شده نیز ابراز نظر کردند. در نهایت داده‌های حاصل با روش کدگذاری گرداند تئوری وطنی مراحل و گام‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند.

درگام اول در کدگذاری باز، از روش گردند تئوری، بلافاصله پس از اتمام اولین مصاحبه انجام شد و پس از هر مصاحبه، به پیدا کردن مفاهیم و انتخاب برچسب‌های مناسب برای آن‌ها و نیز ادغام مفاهیم مرتبط انجام پذیرفت. در مرحله دوم که کدگذاری محوری هست، یکی از طبقات را به عنوان طبقه محوری انتخاب نموده و به عنوان پدیده محوری در مرکز فرایند مورد کاوش قرار گرفت و ارتباط سایر طبقات با آن مشخص شد. ارتباط سایر طبقات با طبقه محوری تعیین شده، در پنج عنوان شرایط علی، راهبردها، بستر حاکم، شرایط مداخله‌گر و پیامدها محقق شد، که مدل گردند تئوری را تعیین می‌کند. در واقع در این شیوه کدگذاری، یک مدل پارادایمی ترسیم می‌شود و کدگذاری حول محور یک طبقه انجام می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱. مدل پارادایمی کدگذاری محوری

در مرحله سوم که کدگذاری انتخابی می‌باشد، فرایند انتخاب مقوله اصلی به صورت منظم و سیستماتیک و اعتبار بخشیدن به روابط، اصلاح و مقوله‌ها در چندین گام گسترده شدند. گسترش مقوله‌ها در طی چند گام در این مرحله انجام می‌شود؛ اولین گام نیازمند توضیح خط اصلی داستان و موضوع است، گام دوم، ربط دادن مقوله‌های تکمیلی حول مقوله اصلی بر مبنای مدل پارادایمی (شکل ۱) است. در گام سوم، ربط دادن مقوله‌ها به یکدیگر در سطح بعدی است و در گام چهارم، این روابط در قبال داده‌ها تایید می‌شوند. در گام آخر، مقولاتی که نیاز به اصلاح، ادغام، حذف، بسط یا گسترش دارند، تکمیل می‌شوند.

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روایی، یافته‌های پژوهش برای مشارکت‌کنندگان ارائه و متن نظریه آن‌ها در خصوص سوالات، پاسخ‌ها و یافته‌ها مطالعه و دیدگاه‌های آن‌ها اعمال شده‌است. در پایان، نتایج پژوهش توسط اساتید مطالعه و مورد بازبینی قرار گرفت و مواردی جهت اصلاح یا تغییر نظریه نهایی مطرح گردید. همچنین در این پژوهش، افزون بر پایایی حساسی فرایند، از روش توافق درون موضوعی استفاده شده‌است که در آن، هر کدام از پژوهشگران به طور مجزا، کدگذاری انجام دادند؛ بر این اساس کدهایی که از نظر هردو پژوهشگر مشابه هستند با عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص گردیدند. بر این اساس به صورت تصادفی سه مصاحبه از بین ۱۲ مصاحبه انتخاب شدند و هردو پژوهشگر به صورت مجزا آن‌ها را کدگذاری کردند و درصد توافق درون موضوعی به عنوان شاخص پایایی تحلیل، با فرمول زیر محاسبه شد که نتایج آن، در جدول ۱ مشهود است.

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

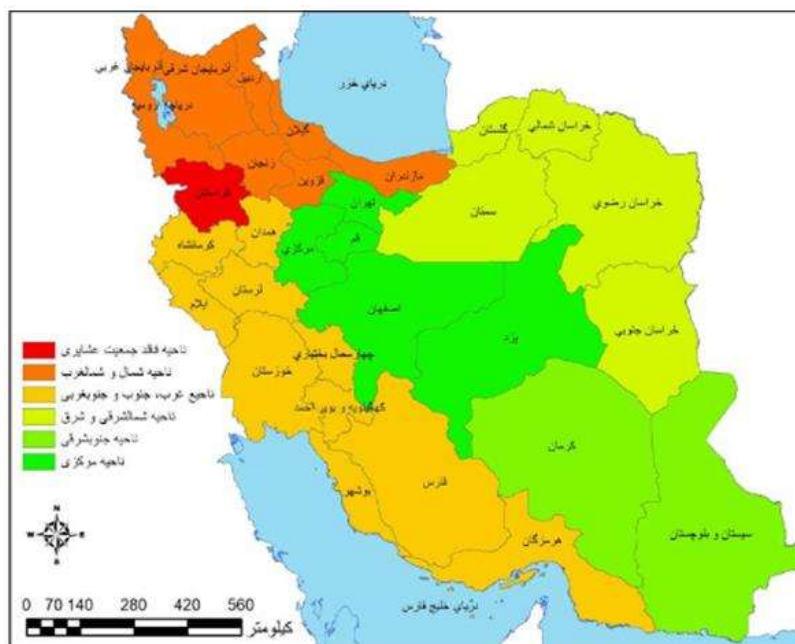
جدول ۱. نتایج بررسی توافق درون موضوعی پژوهشگران

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی (درصد)
۱	A 1	۸۳	۳۷	۱۲	٪ ۸۹/۱۵
۲	A 5	۶۱	۲۵	۷	٪ ۸۱/۹۶
۳	A 8	۳۶	۱۴	۳	٪ ۷۷/۷۷
	مجموع	۱۸۰	۷۶	۲۲	٪ ۸۲/۹۶

بر اساس نتایج جدول ۱، تعداد کل کدهای ثبت شده توسط پژوهشگران برابر ۱۸۰، تعداد کل توافقات بین این کدها ۷۶ و تعداد عدم توافقات بین این کدها ۲۲ است. بنابراین پایایی بین کدگذاری‌های هردو پژوهشگر، بر مبنای فرمول مذکور ۸۲/۹۶٪ درصد است و به علت اینکه از ۶۰ درصد بیشتر است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تایید می‌شود. در نهایت بر اساس تحلیل‌های انجام شده، مدل پارادایمی عوامل مؤثر به تفکیک مقوله‌ها و نمودار ارتباطی بین کدها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA-20 ترسیم شدند.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

موقعیت جغرافیایی ایران که در کمربند خشک و بیابانی نیمکره شمالی قرار دارد، موجب ایجاد اوضاع فصلی متفاوت و متضاد یعنی جلگه، دشت و کوه شده است و موقعیت نسبی ایران یعنی مجاورت با آسیای مرکزی، عربستان، اروپا و هند نیز در پیدایش زندگی و شیوه معیشت کوچ‌نشینی در ایران مؤثر بوده است. عشایر کوچنده کشور با بیش از هشت هزار سال سابقه استقرار در مقیاس ایران است که به غیر از استان کردستان در تمامی استان‌های کشور توزیع شده‌اند. می‌توان کشور را از نظر محل استقرار کوچ‌نشینان به ۵ ناحیه شمال و شمال غرب (ایلات ایل-سون، شاهسون، قره‌داغ، ارسباران، جلالی و...)، ناحیه غرب و جنوب غرب (ایلات بختیاری، بویراحمد، خمسه، قشقایی و...)، ناحیه شمال شرق (ایلات ترکمن، سنگسروکرد)، ناحیه شرق و جنوب شرقی (ایلات و طوایف مستقل) و نهایتاً ناحیه مرکزی ایران (ایلات و طوایف مستقل) تقسیم نمود. عشایر ایران مشتمل بر ۱۰۴ ایل و ۵۶۰ طایفه مستقل در ۲۹ استان (۹۳ درصد)، ۲۵۴ شهرستان (۶۹ درصد) در سطح کشور توزیع شده‌اند. بر این اساس ایران بنا به موقعیت خاص جغرافیایی خود یکی از مهمترین مناطق کوچ‌نشینی در جهان به شمار می‌رود (مولایی‌هشجین، ۱۴۰۰).



شکل ۲. نقشه قلمرو عمده کوچ‌نشینان ایران (مولایی‌هشجین، ۱۴۰۰)

یافته‌ها و بحث

مطابق بررسی‌های انجام شده بر روی مشارکت‌کنندگان، اطلاعات جمعیت‌شناختی و دموگرافیک آن‌ها به شرح جدول ۲، تنظیم گردید.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش (مشارکت‌کنندگان)

مدرک تحصیلی	نوع فعالیت	سابقه مرتبط	سن	جنسیت	کد مشارکت‌کننده
دکتری جغرافیا	استاد دانشگاه	۳۲ سال	۵۰	مرد	A-1
دکتری آب و هواشناسی	استاد دانشگاه	۸ سال	۳۶	مرد	A-2
دکتری برنامه‌ریزی روستایی	استاد دانشگاه	۱۵ سال	۵۰	مرد	A-3
دکتری جغرافیا	استاد دانشگاه	۲۳ سال	۴۷	مرد	A-4
دکتری برنامه‌ریزی روستایی	استاد دانشگاه	۹ سال	۵۴	زن	A-5
دکتری جغرافیا	استاد دانشگاه	۵ سال	۴۸	زن	A-6
دکتری جغرافیا	استاد دانشگاه	۱۵ سال	۴۶	مرد	A-7
دکتری جغرافیا	استاد دانشگاه	۱۴ سال	۴۷	زن	A-8
دکتری برنامه‌ریزی روستایی	استاد دانشگاه	۱۳ سال	۴۳	زن	A-9
دکتری برنامه‌ریزی روستایی	استاد دانشگاه	۱۸ سال	۵۱	مرد	A-10
دکتری برنامه‌ریزی روستایی	استاد دانشگاه	۱۶ سال	۴۹	مرد	A-11
دکتری برنامه‌ریزی روستایی	استاد دانشگاه	۱۶ سال	۵۰	مرد	A-12

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲، ۳۳ مشارکت‌کنندگان را زنان و ۶۷ درصد را مردان با متوسط سنی ۴۷/۵۸ سال تشکیل می‌دادند که همه آن‌ها به عنوان استاد دانشگاه مشغول فعالیت بودند. همچنین ۸ نفر دکتری برنامه‌ریزی روستایی و ۴ نفر دکتری سایر گرایش‌های جغرافیا داشتند که بین ۳۲-۵ سال (به طور میانگین ۱۵/۳۳ سال) سابقه فعالیت در حوزه کوچ‌نشینی را دارا بودند.

گام اول: کدگذاری باز

الف) کدگذاری اولیه یک نمونه از مصاحبه‌ها

در ادامه کدهای پرتکرار استخراج شده، تعداد فراوانی و شواهد گفتاری برخی از مصاحبه‌شوندگان در جدول ۳، گزارش شده است.

جدول ۳. کدگذاری اولیه، شواهد گفتاری و فراوانی هر کد

ردیف	کدهای اولیه	فراوانی	شواهد گفتاری
۱	وابستگی به یک منبع درآمدی	۵	وابستگی به یک منبع درآمدی یا عدم تنوع منبع درآمدی باعث می‌شود در مواقع بحرانی، این افراد شدیداً آسیب‌پذیر باشند و به سمت تخریب منابع طبیعی و استفاده ناپایدار از مراتع روی بیایند؛ A1
۲	ایجاد زیر ساخت مالیات معکوس	۱	به نظر من اصلاً بحث مالیات در زندگی کوچ‌نشینان معنی‌دار نیست و حتی اگر مطرح شود، می‌بایست با مشوق‌هایی نظیر کاهش نرخ مالیات، افزایش دوره پرداخت، در جهت حل مشکلات این جوامع گام برداشته شود و برنامه‌ریزی‌ها در جهت اجرایی شدن مالیات معکوس و استفاده از آن برای توسعه خود جوامع کوچ‌نشین باشد؛ A6
۳	کاهش مقاومت اقتصادی نسل جوان	۲	تاب‌آوری کوچ‌نشینان به صورت ذاتی، خیلی خوب است ولی در نسل جوان، شاهد کاهش این تاب‌آوری هستیم که بیشتر به دلیل تغییر سبک زندگی و نبود حمایت و امید به زندگی اتفاق می‌افتد و نسل جوان را به سمت زندگی یکجانشینی و حتی شهری سوق می‌دهد؛ A12
۴	فقــدان سیاست‌های یکپارچه	۶	استفاده از مسیرهای درآمدی جایگزین، نیازمند آموزش و مهارت‌آموزی به افراد کوچ‌نشین است و چون سیاست‌های منسجمی بدین منظور طراحی نشده است، در گذر زمان شاهد فرصت‌سوزی در این حوزه هستیم؛ A3
۵	وابستگی به دولت	۴	وابستگی بیش از حد جوامع کوچ‌نشین به حمایت‌های دولتی می‌تواند باعث کاهش انگیزه برای تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و افزایش وابستگی به یک منبع درآمدی شود و این موضوع می‌تواند انعطاف‌پذیری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین را در بلندمدت کاهش دهد؛ A5
۶	ایجاد صنایع فرآوری و تبدیلی	۶	ایجاد صنایع فرآوری، تبدیلی، دستی و سنتی در کنار مشاغل سنتی می‌تواند راندمان یک شغل را افزایش دهد و درآمد حاصله بیشتر باشد؛ A9
۷	نابرابری در توزیع منابع	۳	مکانیزه کردن دامداری، تولید محصولات ثانوی، ایجاد کارگاه‌های کوچک از نوع صنایع تبدیلی فرصت‌های خوبی هستند که متأسفانه توجهی به آن‌ها نمی‌شود؛ A12
۸	مقاومت در برابر ریسک‌پذیری	۱	گاه‌ها تبعیض قائل شدن بین کوچ‌نشینان با یکجانشینان از طرف برنامه‌ریزان و دولت، موضوعی است که در درازمدت انعطاف‌پذیری را کاهش می‌دهد؛ چراکه صرفاً به یک جامعه خاص توجه می‌شود و سایر جوامع از حمایت‌های مطلوب بی‌بهره یا حداقل کم‌بهره هستند؛ A9
۹	ایجاد زیرساخت‌های گردشگری	۹	چون برنامه‌ریزی دقیق و آگاهی کاملی از وضعیت زندگی جوامع کوچ‌نشین و نیازهای آن‌ها وجود ندارد، در شیوه‌های مدیریتی این جوامع از اولویت‌چندانی برای توجه برخوردار نیستند؛ در نتیجه انعطاف‌پذیری زیادی در این جوامع وجود ندارد و حتی گاه‌ها شاهد مقاومت در برابر ریسک‌پذیری هستیم؛ A9
۱۰	ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل	۳	خوشبختانه از نظر سبک زندگی، فرهنگی و آداب و رسوم، یک ظرفیت و پتانسیل عالی و جذاب وجود دارد و در کانون توجه مردم جوامع شهری قرار دارد ولی لازمه استفاده از این فرصت، ایجاد زیرساخت‌هایی است که کوچ‌نشینان بتوانند فرهنگ، سبک زندگی و محصولات خود را به مردم و گردشگران معرفی کنند و یک جاذبه توریستی برای گردشگران داخلی و خارجی ایجاد نمایند؛ موضوعی که در روستاهایی مثل کندوان استان آذربایجان شرقی نیز اجرایی شد و نتایج بالفعل آن، بسیار مطلوب است؛ A12
۱۱	بازارهای واسطه‌ای	۱۰	منتها باید توجه داشت که زیرساخت‌های حمل و نقل، ارتباطی و تامین انرژی سه فاکتور مهم در ظرفیت‌سازی محسوب می‌شوند؛ A3
۱۲	خشکسالی	۶	بهترین راهبرد که حتی باعث افزایش انعطاف‌پذیری اقتصادی کوچ‌نشینان نیز می‌شود، حذف سیستم دلالی و ارتباط دادن مصرف‌کنندگان با تولیدکنندگان است که بتوانند نیازهای مشتری را بشناسند و کیفیت محصولات خود را بر اساس نیاز آن‌ها بهبود بخشند؛ A12
۱۳	تقویت شبکه‌های اجتماعی	۳	خشکسالی‌ها و عدم حمایت‌های دولتی و مشکلات مربوط به تغییرات اقلیمی از جمله آسیب‌هایی هستند که باعث می‌شوند کوچ‌نشینان به زندگی روستایی یا شهری روی بیایند؛ A7
			مدیریت منابع طبیعی و تقویت شبکه‌های اجتماعی اهمیت بیشتری دارد، چراکه این افراد باید بتوانند از مراتع کوهستانی به طور پایدار استفاده کنند و در زمان بحران از حمایت جامعه خود برخوردار شوند؛ A4

۱۴	داشتن فرهنگ غنی، آداب و رسوم غیر کلیشه‌ای، دانش بومی ارتقا یافته و حتی صنایع دستی و راه های ارتباطی می توانند تعیین کنند که آیا یک جامعه ظرفیت استقرار زیرساخت های تجاری و گردشگری دارد یا خیر و این موضوع در سرمایه گذاری به عنوان فاکتور اساسی بررسی می‌شود؛ A4	۱	فرهنگ غنی، آداب و رسوم غیر کلیشه‌ای، دانش بومی ارتقا یافته و حتی صنایع دستی و راه های ارتباطی می توانند تعیین کنند که آیا یک جامعه ظرفیت استقرار زیرساخت های تجاری و گردشگری دارد یا خیر و این موضوع در سرمایه گذاری به عنوان فاکتور اساسی بررسی می‌شود؛ A4
۱۵	مشکل اساسی در حوزه اشتغال، بحث تورم و فقدان کنترل‌های علمی براقصاد کوچ‌نشینان است و ما همواره شاهد نوسانات قیمتی در حوزه نهاده های دامی و مواد اولیه هستیم و چون این درآمد ها با مخارج هماهنگ نیستند، کوچ‌نشینان سعی می‌کنند منابع مالی متعددی داشته باشند؛ A7	۳	مشکل اساسی در حوزه اشتغال، بحث تورم و فقدان کنترل‌های علمی براقصاد کوچ‌نشینان است و ما همواره شاهد نوسانات قیمتی در حوزه نهاده های دامی و مواد اولیه هستیم و چون این درآمد ها با مخارج هماهنگ نیستند، کوچ‌نشینان سعی می‌کنند منابع مالی متعددی داشته باشند؛ A7
۱۶	هدایت علمی و آگاهانه منابع درآمدی این افراد در مسیر سرمایه‌گذاری مطمئن همراه با ارائه تضمین لازم، می تواند رضایت شغلی این افراد را کنترل نماید. همچنین توسعه و ترویج صنایع دستی در بین کوچ‌نشینان به عنوان منبع درآمدی جدید، رواج گردشگری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مورد نیاز، مهم ترین مولفه‌هایی هستند که وضعیت اقتصادی را تعدیل و کنترل می‌کنند؛ A6	۲	هدایت علمی و آگاهانه منابع درآمدی این افراد در مسیر سرمایه‌گذاری مطمئن همراه با ارائه تضمین لازم، می تواند رضایت شغلی این افراد را کنترل نماید. همچنین توسعه و ترویج صنایع دستی در بین کوچ‌نشینان به عنوان منبع درآمدی جدید، رواج گردشگری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مورد نیاز، مهم ترین مولفه‌هایی هستند که وضعیت اقتصادی را تعدیل و کنترل می‌کنند؛ A6
۱۷	لزوم برنامه‌ریزی مدون و استاندارد	۲	با توجه به مشکلات زیاد در این جوامع اگر برنامه ریزی مدونی نگردد شاهد کاهش این نوع شیوه زندگی در کشور خواهیم بود به طوری که تا سال‌های آینده فقط دو نوع زندگی شهری و روستایی را شاهد خواهیم بود؛ A5
۱۸	برندینگ و خلاقیت	۳	عموما باید بسترسازی برای اتخاذ راهبردهایی باشد که این افراد بتوانند بدون واسطه و به صورت مستقیم محصولات خود را به فروش برسانند. از طرفی، هرچه تنوع محصولات از طریق آموزش شیوه های فرآوری، برندینگ و خلاقیت، بیشتر باشد، رضایت شغلی بیشتر اتفاق خواهد افتاد؛ A9
۱۹	آموزش و توانمندسازی	۱۴	همچنین، آموزش و توانمندسازی زنان و جوانان در این جوامع می‌تواند به ایجاد مشاغل جدید و تقویت اقتصاد محلی کمک کند؛ A2
۲۰	تغییر سبک زندگی	19	امروزه سبک‌های کوچ‌نشینی به دلایل مختلفی، زیست‌امروزی‌تری را تجربه می‌کند، پس تغییر نیازها، با تغییر انتظارات و افزایش مخارج همراه خواهد بود؛ A10
۲۱	مخارج زندگی	۲۰	هرچه جوامع کوچ‌نشین مقاومت کمتری در برابر تغییرات وسیع زندگی و مدرنیته داشته‌باشند، انتظارات و مخارج بالاتر خواهد رفت و اگر رضایت شغلی در حد مطلوب نباشد، شاهد مشکلات اقتصادی گسترده در زمینه پوشاک، بهداشت و حمل و نقل خواهیم بود؛ A9
۲۲	اجرا کردن نظام جبران خدمات	۱	نفوذ سبک زندگی مدرن در جوامع کوچ‌نشین، نگرش این افراد را نسبت به کوچ‌نشینی، منفی تر کرده است و این افراد سعی می‌کنند از آرامش نسبی زندگی شهری برخوردار باشند و یا حداقل شبیه آن‌ها زندگی کنند، در نتیجه مخارج زندگی زیاد می‌شود و حتما انعطاف‌پذیری اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت؛ A12
۲۳	بهبود روانی بهداشت روانی	۳	متأسفانه در طبقه بندی برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، معیشت کوچ‌نشینان در اولویت آخر و کارکشی از آن‌ها در اولویت اول قرار دارد یعنی بدون اجرایی سازی نظام جبران خدمات، به دنبال افزایش بهره‌وری هستند که باعث کاهش انگیزه و انعطاف‌پذیری خواهد شد؛ A10
			جنبه های مختلفی از عوامل انسانی مثل ساختارهای اجتماعی، فعالیت های اقتصادی، شیوه های فرهنگی و بهزیستی روانی می تواند بر سرمایه گذاری کوچ‌نشینان تاثیرگذار باشد و میزان آن را کاهش و یا افزایش دهد؛ A4

مطابق کدگذاری اولیه بر مبنای شواهد گفتاری مصاحبه‌شوندگان، ۲۵۴ کدمفهومی (با ۶۵۹ تکرار) مورد بررسی قرار گرفتند و ۲۳ کد پرتکرار، به شرح جدول ۳، تحلیل شدند که هر کدام تاثیر متفاوتی بر تاب‌آوری کوچ‌نشینان دارند.

شرایط کلان اقتصادی و مالی، شامل عواملی چون نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز، رشد اقتصادی و سیاست‌های مالی و پولی دولت، تأثیر بسزایی بر تاب‌آوری اقتصادی جوامع دارند. نگرش‌های کوتاه‌مدت در بنگاه‌های اقتصادی، مانع از سرمایه‌گذاری در نوآوری و تنوع‌بخشی شده و در نتیجه، ظرفیت انطباق با تغییرات بازار را کاهش می‌دهند. در این راستا، توسعه مسیرهای جایگزین درآمدی، ایجاد سازوکارهای مالیاتی معکوس برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تشویق نسل جوان به پذیرش تغییرات اقتصادی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به تقویت تاب‌آوری در برابر این عوامل کلان کمک کنند.

سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی، نقش حیاتی در تاب‌آوری اقتصادی جوامع ایفا می‌کنند. وابستگی بیش از حد به دولت، به جای تقویت خوداتکایی، می‌تواند انعطاف‌پذیری و نوآوری را تضعیف کند. بروکراسی پیچیده اداری، موانع زیادی را بر سر راه دسترسی به منابع و تسهیلات ایجاد کرده و هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهد. عدم توجه دولت‌مردان به ویژگی‌های خاص و پتانسیل‌های اقتصادی کوچ‌نشینان و نبود سیستم‌های حمایت متقابل، موجب آسیب‌پذیری بیشتر این جوامع در برابر شوک‌های اقتصادی می‌شود. کاهش انعطاف‌پذیری فکری ناشی از سیاست‌های ناکارآمد نیز می‌تواند مانع از انطباق با شرایط جدید شود.

تحول دیجیتال و فناوری‌های نوین، فرصت‌های بی‌شماری را برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی جوامع فراهم می‌کنند، ایجاد صنایع فرآوری و تبدیلی با استفاده از فناوری‌های نوین، می‌تواند ارزش افزوده محصولات را افزایش داده و به تنوع بخشیدن به منابع درآمدی کمک کند. ایجاد ایستگاه‌های جمع‌آوری تولیدات دامی با استفاده از سامانه‌های هوشمند لجستیک و مدیریت زنجیره تأمین، می‌تواند هزینه‌های حمل و نقل را کاهش داده و دسترسی به بازارها را تسهیل کند. این تحولات نه تنها به افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به منابع اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه با بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها، تاب‌آوری اقتصادی را در برابر شوک‌های مختلف تقویت می‌کنند.

در جوامع کوچ‌نشین، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها اغلب با چالش‌هایی نظیر دسترسی محدود به منابع، تبعیض و به حاشیه رانده شدن مواجه است. نابرابری در توزیع منابع طبیعی مانند آب و مراتع، می‌تواند منجر به تضاد و ناپایداری در این جوامع شود. توزیع ناعادلانه فرصت‌ها برای دسترسی به آموزش، بهداشت و خدمات اساسی، نیز می‌تواند چرخه فقر و محرومیت را تداوم بخشد. برای دستیابی به تاب‌آوری اقتصادی در جوامع کوچ‌نشین، لازم است سیاست‌هایی اتخاذ شود که هدف آن‌ها تقویت حقوق مالکیت، بهبود دسترسی به منابع، و ارائه خدمات اساسی به صورت عادلانه و فراگیر باشد. این اقدامات نه تنها به بهبود معیشت و رفاه این جوامع کمک می‌کنند، بلکه با افزایش مشارکت و انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه پایدار و حفظ فرهنگ و هویت آن‌ها می‌شوند.

در جوامع کوچ‌نشین، ریسک‌پذیری به عنوان تمایل به انجام فعالیت‌هایی با احتمال سود و زیان، محرک نوآوری و بهبود معیشت است، اما این تمایل تحت تأثیر عواملی مانند فرهنگ، اقتصاد و دسترسی به اطلاعات قرار دارد. شناخت آسیب‌پذیری‌ها، شامل تهدیداتی مانند خشکسالی، بیماری‌های دامی، و تغییرات اقلیمی، برای تدوین استراتژی‌های مقابله و کاهش اثرات منفی آن‌ها حیاتی است؛ بنابراین، افزایش اعتماد به نفس، دانش و مهارت‌های افراد، همراه با حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب، برای مدیریت بهینه ریسک و تقویت تاب‌آوری اقتصادی این جوامع ضروری به نظر می‌رسد.

توسعه زیرساخت‌های اساسی (گردشگری، رفاهی-اجتماعی، حمل و نقل) نقش محوری در ارتقاء تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین ایفا می‌کند. توسعه گردشگری با ایجاد منابع درآمدی متنوع و حفاظت از میراث فرهنگی، به کاهش وابستگی اقتصادی به منابع سنتی و تقویت هویت جمعی کمک می‌کند. این رویکرد یکپارچه دسترسی به خدمات رفاهی-اجتماعی، با تأکید بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاب‌آوری، امکان توسعه پایدار و فراگیر جوامع کوچ‌نشین را فراهم می‌سازد.

بهبود تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و مبتنی بر شواهد به استراتژی‌های بازار و فروش است. تحقیقات نشان می‌دهند که توسعه زیرساخت‌های اساسی (گردشگری، رفاهی-اجتماعی، حمل و نقل) نقش کاتالیزور در توانمندسازی اقتصادی این جوامع ایفا می‌کند. مقالات نشان می‌دهند که ترکیب این استراتژی‌ها، با تکیه بر اصول اقتصاد توسعه و مدیریت زنجیره ارزش، می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین در برابر شوک‌های بازار و تغییرات محیطی کمک کند.

تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین به رویکردی جامع نیاز دارد که استراتژی‌های بازار و فروش را با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و طبیعی ادغام کند. شرایط اقلیمی و طبیعی، از جمله خشکسالی، تغییر بافت و پراکنش کوچ‌نشینان، تغییرات اقلیمی، مدیریت ضعیف مراتع، و استفاده غیراصولی از آب و خاک، تهدیدهای جدی برای معیشت و پایداری این جوامع ایجاد می‌کنند. روابط مستحکم اجتماعی و خانوادگی، دخالت جوامع بومی در تصمیم‌گیری‌ها، تقویت ارتباطات اجتماعی، پذیرش نقش و مسئولیت از سوی افراد جامعه برای بقا، و مشارکت فعال در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی، از جمله این توانمندی‌ها هستند. برای نمونه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی قوی می‌توانند به بهبود دسترسی به منابع، اطلاعات و پشتیبانی‌های دوجانبه در زمان‌های بحرانی کمک کنند. بنابراین، هر نوع برنامه‌ریزی با هدف افزایش تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین باید با اتکا بر این توانمندی‌های اجتماعی و از طریق رویکردهای مشارکتی و توانمندسازی انجام شود. تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین، ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی آن‌ها دارد. تقویت هویت فرهنگی و ایجاد حس تعلق به جامعه، انگیزه افراد را برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی محلی افزایش داده و از خروج سرمایه انسانی جلوگیری می‌کند. برای ارتقای تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین، ضروری است که به فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی به عنوان عواملی کلیدی توجه شده و برنامه‌های توسعه اقتصادی بر پایه این دارایی‌های ارزشمند طراحی شوند.

ثبات اقتصادی و مالی جوامع کوچ‌نشین، به شدت تحت تأثیر فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی آن‌ها قرار دارد. در شرایطی که مشکلات اساسی در حوزه اشتغال، تورم و فقدان کنترل‌های علمی بر اقتصاد کوچ‌نشینان وجود دارد و نوسانات قیمتی در حوزه نهاده‌های دامی و مواد اولیه به طور مداوم مشاهده می‌شود، فرهنگ غنی و آداب و رسوم خاص این جوامع می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری آن‌ها ایفا کند. تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین، سیستمی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند مدیریت منابع و برنامه‌ریزی راهبردی آگاهانه است. این مدیریت باید با رویکردهای سیستماتیک، نهادی، رفتاری و اجتماعی همسو باشد تا چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این جوامع را به درستی درک کند. با بهره‌گیری از مدل‌سازی سیستم‌ها برای درک روابط غیرخطی، تئوری انتخاب نهادی برای تقویت نهادهای محلی، اقتصاد رفتاری برای تغییر الگوهای ناپایدار و تئوری سرمایه اجتماعی برای افزایش اعتماد و همکاری، می‌توان مداخلات مؤثری برای تخصیص عادلانه‌تر منابع و افزایش تاب‌آوری اقتصادی این جوامع ارائه داد. در نتیجه، جوامع کوچ‌نشین قادر خواهند بود در برابر شوک‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مقاوم‌تر شوند و معیشت خود را به شکل پایدار حفظ کنند.

کارآفرینی و نوآوری اجتماعی نقش حیاتی در تقویت تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین ایفا می‌کنند. ایجاد یک فرهنگ کارآفرینی، به همراه توسعه کسب‌وکارهای مشارکتی و استفاده از برندینگ و خلاقیت، به این جوامع امکان می‌دهد تا از منابع خود به شکل پایدارتری بهره‌برداری کنند و در برابر چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مقاوم‌تر شوند. کارآفرینی، فرصت‌های جدیدی برای ایجاد درآمد و اشتغال فراهم می‌کند، در حالی که نوآوری اجتماعی، راه‌حل‌های خلاقانه‌ای برای مسائل پیچیده ارائه می‌دهد. توجه به مهارت‌ها و دانش‌های بومی و شخصی، نقشی اساسی در تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین دارد.

تحولات سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی، به ویژه گرایش به سبک زندگی نوین، تأثیرات عمیقی بر جوامع کوچ‌نشین دارد. تغییر سبک زندگی و مهاجرت جوانان به شهرها، ناشی از کمبود فرصت‌ها، منجر به کاهش توجه به مهارت‌ها و دانش‌های بومی می‌شود و نیروی کار متخصص را کاهش می‌دهد. برای مقابله با این چالش‌ها، حفظ و تقویت مهارت‌های بومی، آموزش نسل جوان در زمینه‌های نوآورانه و ایجاد فرصت‌های شغلی در مناطق روستایی و عشایری ضروری است تا مهاجرت کاهش یابد و تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی این جوامع تقویت شود. امنیت اقتصادی و معیشت پایدار، از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع کوچ‌نشین به شمار می‌رود، به ویژه با توجه به افزایش مخارج زندگی، ضرورت تأمین امنیت غذایی و میزان انتفاع از درآمد و سرمایه، افزایش هزینه‌های زندگی، شامل هزینه‌های مسکن، غذا، بهداشت و آموزش، فشار مضاعفی بر معیشت این جوامع وارد می‌کند، دسترسی محدود به تسهیلات مالی، بازارهای فروش، و فناوری‌های نوین، می‌تواند مانع از افزایش درآمد و بهره‌وری این جوامع شود.

انگیزه بخشی و بهبود عملکرد، یکی از عوامل کلیدی در ارتقای بهره‌وری و رضایت شغلی در جوامع کوچ‌نشین است. کاهش بهره‌وری شغلی، ناشی از عواملی مانند فقدان انگیزه، کمبود آموزش و مهارت، و عدم دسترسی به فرصت‌های پیشرفت، می‌تواند تأثیر منفی بر معیشت و رفاه این جوامع داشته باشد. کیفیت زندگی و رضایت شخصی در جوامع کوچ‌نشین به عوامل متعددی بستگی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند: از ایجاد رضایت از درآمد، توجه به بهزیستی و بهداشت روانی، در نظر گرفتن نیازهای محلی. اطمینان از کفایت درآمد برای تأمین نیازهای اساسی، ارتقای بهداشت روانی از طریق ارائه خدمات مشاوره و تدوین برنامه‌های توسعه با مشارکت جوامع محلی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رضایت شخصی در این جوامع کمک کنند.

ب) کدهای ثانویه و شکل‌دهی مقولات

در این مرحله، چند کد مفهومی تبدیل به یک مقوله می‌شوند. جدول ۴، بخشی از نتایج کدگذاری باز را بر اساس کدهای مفهومی و مقوله‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۴. کدگذاری ثانویه و شکل‌دهی مقوله‌ها

تکرار مقوله‌ها	مقوله‌ها	ویژگی‌ها و مفاهیم استخراج شده از گزاره‌های کلامی
۵۱	کوچ نشینی و نوع شغل	وابستگی به یک منبع درآمدی (اقتصاد دامپروری-جابه جایی مکرر-رمه گردانی-چادرنشینی-صنایع دستی- زنبورداری)
۹۸	شرایط کلان اقتصادی و مالی	تقویت مسیرهای جایگزین درآمدی (نگرش تک جانبه و کوتاه مدت بنگاه‌های اقتصادی-کاهش مقاومت اقتصادی نسل جوان-تورم-ایجاد زیر ساخت مالیات معکوس-افزایش هزینه‌های تولید-انعطاف پذیری اقتصادی-افزایش کنترل نشده قیمت نهاده های دامی)

۵۳	سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی	فقدان سیاست‌های یکپارچه (وابستگی به دولت - بروکراسی پیچیده اداری - کاهش انعطاف پذیری فکری - عدم توجه دولتمردان به مقوله کوچ-نبود سیستم‌های حمایت متقابل)
۲۳	تحول دیجیتال و فناوری‌های نوین	ایجاد صنایع فرآوری و تبدیلی (بی توجهی به مکانیزه کردن مشاغل - تولید محصولات ارگانیک ایجاد ایستگاه‌های جمع آوری تولیدات دامی)
۸	عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه	نابرابری در توزیع منابع (توزیع ناعادلانه روابط اجتماعی)
۲۳	ریسک پذیری	ریسک ابزارهای مالی غیر رسمی (مقاومت در برابر ریسک‌پذیری - شناخت آسیب‌پذیری‌ها)
۲۸	زیرساخت‌های اساسی	ایجاد زیرساخت‌های گردشگری (دسترسی به خدمات رفاهی - اجتماعی - ایجاد زیرساخت‌های حمل و نقل)
۴۸	بازار و استراتژی‌های فروش	حضور کنترل نشده افراد واسطه‌گر (متناسب سازی سبک تولید و نیاز - تسهیل دسترسی به بازارها - فروش محصولات به شکل اولیه)
۴۸	شرایط اقلیمی و طبیعی	خشکسالی (تغییر بافت و پراکنش کوچ نشینان - تغییرات اقلیمی - مدیریت ضعیف مراتع - استفاده پایدار از آب و خاک)
۱۸	روابط اجتماعی و خانوادگی	مشارکت جوامع محلی (تقویت شبکه‌های اجتماعی - نقش‌پذیری و مسئولیت‌پذیری برای بقا مشارکت فعال)
۴	فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی	داشتن فرهنگ غنی و آداب و رسوم غیر کلیشه‌ای (احیای سنت‌های قدیمی)
۱۹	ثبات اقتصادی و مالی	افزایش قیمت مواد اولیه (نوسان قیمتی - جذب نقدینگی در شرایط بحران - سازگاری با چالش‌های اقتصادی)
۵۶	جذب سرمایه و تامین مالی هوشمندانه	افزایش دیدگاه انباشت سرمایه (سودآوری در کمترین زمان - کلاهبرداری و به یغما بردن سرمایه‌ها - افزایش میل به احتکار سرمایه - هدایت علمی و آگاهانه منابع درآمدی)
۲۵	مدیریت منابع و برنامه‌ریزی راهبردی	قیمت‌گذاری تجویزی (برنامه ریزی - توجه به توسعه پایدار - لزوم برنامه ریزی مدون و استاندارد - برنامه ریزی ساختاری و بلند مدت - مدیریت نادرست و غیر علمی)
۱۲	کارآفرینی و نوآوری اجتماعی	وجود فرهنگ کارآفرینی (ایجاد کسب و کارهای مشارکتی - برندینگ و خلاقیت)
۴۰	مهارت و دانش‌های بومی و شخصی	توجه به دانش بومی (مهارت‌های محلی - آموزش و توانمندسازی - پافشاری بر نگرش‌های سنتی)
۴۰	تحولات سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی	درگیر شدن به سبک زندگی نوین (تغییر سبک زندگی - مهاجرت جوانان کوچ نشین)
۴۰	امنیت اقتصادی و معیشت پایدار	مخارج زندگی (تامین امنیت غذایی - میزان انتفاع از درآمد و سرمایه)
۱۳	انگیزه بخشی و بهبود عملکرد	کاهش بهره‌وری شغلی (افزایش انتظارات افراد از خود - اجرا کردن نظام جبران خدمات)
۱۲	کیفیت زندگی و رضایت شخصی	ایجاد رضایت از درآمد (بهریستی و بهداشت روانی - بی توجهی به نیازهای محلی)

نهایتاً ۲۵۴ کدمفهومی (۶۵۹ تکرار) و ۲۰ مقوله اصلی استخراج شدند. شکل ۲، ماتریس فراوانی مقوله‌های اصلی را در هر مصاحبه نشان می‌دهد. در این بخش مفاهیم متعددی از گزاره‌های کلامی استخراج شده و در پرسش نامه‌ها بدان پرداخت گردید و پاسخ دهندگان طبق جدول شماره ۴ پاسخ دادند و تکرار مقوله‌ها مشخص شده است. در این جدول مقوله مدیریت کلان اقتصادی و مالی برای گزاره کلامی تقویت مسیرهای جایگزین درآمدی (نگرش تک جانبه و کوتاه مدت بنگاه‌های اقتصادی - کاهش مقاومت اقتصادی نسل جوان - تورم - ایجاد زیر ساخت مالیات معکوس - افزایش هزینه‌های تولید - انعطاف‌پذیری اقتصادی - افزایش کنترل نشده قیمت نهاده‌های دامی) با ۹۸ بار تکرار بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و مقوله فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی برای گزاره داشتن فرهنگ غنی و آداب و رسوم غیر کلیشه‌ای (احیای سنت‌های قدیمی)، کمترین سهم تکرار را با ۴ بار به خود اختصاص داده است. همچنین مقوله‌های جذب سرمایه و تامین مالی هوشمندانه، سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی، کوچ‌نشینی و نوع شغل، بازار و استراتژی‌های فروش و شرایط اقلیمی و طبیعی برای گزاره‌های افزایش دیدگاه انباشت سرمایه (سودآوری در کمترین زمان - کلاهبرداری و به یغما بردن سرمایه‌ها - افزایش میل به احتکار سرمایه - هدایت علمی و آگاهانه منابع درآمدی)، فقدان سیاست‌های یکپارچه (وابستگی به دولت - بروکراسی پیچیده اداری - کاهش انعطاف‌پذیری فکری - عدم توجه دولتمردان به

مقوله کوچ-نبود سیستم‌های حمایت متقابل)، وابستگی به یک منبع درآمدی (اقتصاد دامپروری-جابه‌جایی مکرر-رهم گردانی-چادرنشینی-صنایع دستی-زنبورداری)، حضور کنترل نشده افراد واسطه‌گر (متناسب‌سازی سبک تولید و نیاز-تسهیل دسترسی به بازارها-فروش محصولات به شکل اولیه) و خشکسالی (تغییر بافت و پراکنش کوچ‌نشینان-تغییرات اقلیمی-مدیریت ضعیف مراتع-استفاده پایدار از آب و خاک) نیز به ترتیب ۵۶ و ۵۳ و ۵۱ و ۴۸ و ۴۸ سهم تکرار را به خود اختصاص دادند.

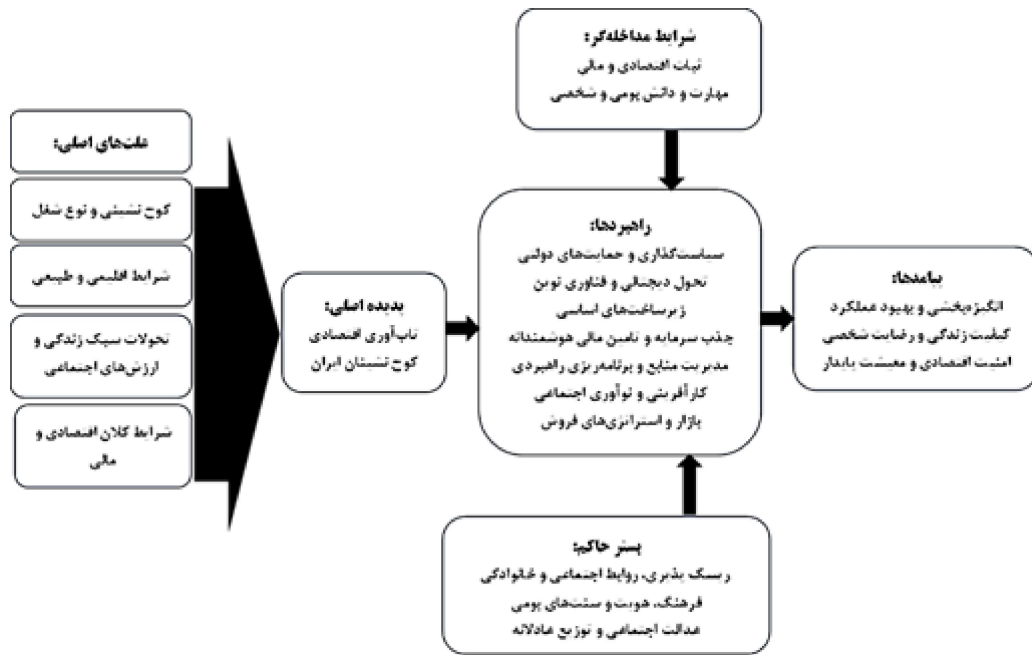
Code System	A (1)	A (2)	A (3)	A (4)	A (5)	A (6)	A (7)	A (8)	A (9)	A (10)	A (11)	A (12)	SUM
کوچ‌نشینی و نوع فصل	12	3	5	8	7	5	3	2	3	2		1	51
شرایط کلان اقتصادی و مالی	13	12	11	8	12	13	13		4	6	1	5	98
سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی	9	6	8	9	4	2	4	3	4	2		2	53
تحول دیجیتال و فناوری‌های نوین	1	2	4		3		4	2	3	2			23
عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه	1	1			2				3				8
ریسک‌پذیری	2	2	3	3	1	5	1	2	3	1			23
زیرساخت‌های اساسی	2	4	5	2	7	2		1	3			2	28
بازار و استراتژی‌های فروش	8	4		6	3		3	7	3	7	3	4	48
شرایط اقلیمی و طبیعی	11	4	2	8	3	1	4	7	2	1	4	1	48
روابط اجتماعی و خانوادگی	2	4	3	5	1			1			1	1	18
فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی				1					1		2		4
نیات اقتصادی و مالی	1	1	2	1	2		3	1	2	2	1	3	19
جذب سرمایه و تامین مالی هوشمندانه	3	4	7	11	2	7	8	4	3	3	2	2	56
مدیریت منابع و برنامه‌ریزی راهبردی	6	3	1	3	1	2	2	1	2	2	2		25
کارآفرینی و نوآوری اجتماعی	2	1	4						3		1	1	12
مهارت و دانش‌های بومی و شخصی	2	13	2	6	8	2	4		1	2			40
تحولات سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی	4	1	6	3	3		5	3	6	4	3	2	40
امنیت اقتصادی و معیشت پایدار	3	6	8	2	1	2	6	2	3	4		3	40
انگیزه بخشی و بهبود عملکرد	1		5			2			2	3			13
کیفیت زندگی و رضایت شخصی		1		2	1	3			2	1	2		12
SUM	83	72	76	78	61	46	60	36	53	42	22	30	659

شکل ۲. ماتریس فراوانی مقوله‌های اصلی در هر مصاحبه

بر اساس ماتریس شکل ۲، شرایط کلان اقتصادی و مالی، جذب سرمایه و تامین مالی هوشمندانه، سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی به ترتیب با ۹۸، ۵۶ و ۵۳ تکرار کد، به عنوان مهم‌ترین مقوله‌های این پژوهش شناسایی شدند که بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان تاثیر دارند. به طوری که نگرش تک‌جانبه و کوتاه‌مدت بنگاه‌های اقتصادی، کاهش مقاومت اقتصادی نسل جوان، تورم، ایجاد زیرساخت مالیات معکوس، افزایش هزینه‌های تولید، انعطاف‌پذیری اقتصادی و افزایش کنترل نشده قیمت نهاده‌های دامی از جمله مقوله‌های تاثیرگذار مشمول شرایط کلان اقتصادی و مالی می‌باشد. از طرفی افزایش دیدگاه انباشت سرمایه باعث می‌شود زمان سودآوری افزایش پیدا کند و در کنار این موضوع، کلاهبرداری و به یغما بردن سرمایه‌ها و میل به احتکار سرمایه افزایش یابد و سرمایه‌گذاری هوشمندانه نیازمند هدایت علمی و آگاهانه منابع درآمدی باشد. فقدان سیاست‌های یکپارچه نیز باعث می‌شود در مقوله سیاست‌گذاری دولتی، وابستگی به دولت را شاهد باشیم و پیچیده شدن بروکراسی اداری و کاهش انعطاف‌پذیری فکری در کنار عدم توجه دولتمردان به مقوله کوچ و نبود سیستم‌های حمایت متقابل باعث می‌شود تاب‌آوری کوچ‌نشینان با شرایط دشواری مواجه شود که لازم است عوامل شناسایی شده با دقت زیادی کنترل شود تا بدون آسیب به ساختار اصلی کوچ‌نشینان، تاب‌آوری آن‌ها ارتقا یابد.

گام دوم: کدگذاری محوری

بر اساس رویکرد گرنند تئوری و بر مبنای کدگذاری و تحلیل‌های انجام شده، مدل پارادایمی عوامل موثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران مطابق شکل ۳ به دست آمد.



شکل ۳. مدل پارادایمی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران

بر اساس یافته‌های این پژوهش، در نهایت ۲۵۴ کدمفهومی (۶۵۹ تکرار) و ۲۰ مقوله اصلی از مجموع ۱۲ مصاحبه استخراج شدند که نشان‌دهنده عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان می‌باشد. مطابق تحلیل‌های انجام شده بر روی کدهای استخراجی و متون مصاحبه‌ها، چهار علت اصلی برای تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران شناسایی شدند؛ به طوری که کوچ‌نشینی و نوع شغل، شرایط اقلیمی و طبیعی، تحولات سبک زندگی و ارزش‌های اجتماعی و شرایط کلان اقتصادی و مالی می‌توانند با تغییرات خود، تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین را تحت الشعاع قرار دهند. برای نمونه، وابستگی به یک منبع درآمدی یا عدم تنوع منبع درآمدی باعث می‌شود در مواقع بحرانی، این افراد شدیداً آسیب‌پذیر باشند و به سمت تخریب منابع طبیعی و استفاده ناپایدار از مراتع روی بیاورند. این نتایج با پژوهش‌های ساززاد و همکاران (۲۰۲۴)، کایاستا و همکاران (۲۰۲۳)، احمد و همکاران (۲۰۲۲)، وانگ و همکاران (۲۰۱۴)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۶) و میرزاخانی و همکاران (۱۴۰۲) همسو است و شرایط اقلیمی، نوع شغل و شرایط اقتصادی به عنوان عوامل اصلی مؤثر بر تاب‌آوری محسوب می‌شوند. همچنین چهار عامل به عنوان عوامل زمینه‌ساز و بستر حاکم تعیین شدند؛ ریسک‌پذیری، روابط اجتماعی و خانوادگی، فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی و عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه می‌توانند با تاثیر بر ذهنیت جوامع، بر سازگاری و تاب‌آوری آن‌ها تاثیرگذار باشند. همچنین ثبات اقتصادی و مالی در کنار مهارت و دانش بومی و شخصی، دو عامل مداخله‌گر در این پژوهش هستند که هم بر راهبردها و هم بر تاب‌آوری اقتصادی تاثیر می‌گذارند.

نتیجه‌گیری

کوچ‌نشینی به عنوان یکی از شیوه‌های مهم زندگی محسوب می‌شود که افراد برای یافتن مراتع مناسب در بازه‌های زمانی مشخص، مکان خود را تغییر می‌دهند؛ ولی امروزه تغییرات اقلیمی، کاهش منابع طبیعی، سیاست‌های دولتی و گرایش به زندگی مدرن از جمله عواملی هستند که در کنار جذابیت زندگی شهری، تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین را کاهش داده‌اند. با توجه به وجود عوامل متعدد در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر تاب‌آوری اقتصادی کوچ‌نشینان ایران را با رویکرد گزند تئوری و ارائه الگوی پارادایمی، نتایج زیر به دست آمد. وابستگی معیشت به فعالیت‌های خاص مانند دامپروری، این جوامع را در برابر شوک‌های اقتصادی و تغییرات محیطی آسیب‌پذیر می‌کند. در این میان، فعالیت‌های مکمل مانند صنایع دستی و زنبورداری می‌توانند به تنوع بخشیدن به منابع درآمدی و افزایش تاب‌آوری اقتصادی کمک کنند، اما نیازمند حمایت و توسعه هستند. شرایط کلان اقتصادی و مالی، شامل عواملی چون نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز، رشد اقتصادی و

سیاست‌های مالی و پولی دولت، تأثیر بسزایی بر تاب‌آوری اقتصادی جوامع دارند. در این راستا، توسعه مسیرهای جایگزین درآمدی، ایجاد سازوکارهای مالیاتی معکوس برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تشویق نسل جوان به پذیرش تغییرات اقتصادی، از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند به تقویت تاب‌آوری در برابر این عوامل کلان کمک کنند. سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی، نقش حیاتی در تاب‌آوری اقتصادی جوامع ایفا می‌کنند. فقدان سیاست‌های یکپارچه و منسجم، موجب سردرگمی و عدم اطمینان در بین فعالان اقتصادی شده و اثربخشی حمایت‌های دولتی را کاهش می‌دهد. کاهش انعطاف‌پذیری فکری ناشی از سیاست‌های ناکارآمد نیز می‌تواند مانع از انطباق با شرایط جدید شود. تحول دیجیتال و فناوری‌های نوین، فرصت‌های بی‌شماری را برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی جوامع فراهم می‌کنند، اما نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق هستند. تحولات دیجیتال و فناوری‌های نوین نه تنها به افزایش درآمد و تنوع‌بخشی به منابع اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه با بهبود کارایی و کاهش هزینه‌ها، تاب‌آوری اقتصادی را در برابر شوک‌های مختلف تقویت می‌کنند. در جوامع کوچ‌نشین، عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا ساختارهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها اغلب با چالش‌هایی نظیر دسترسی محدود به منابع، تبعیض و به حاشیه رانده شدن مواجه است. اقدامات حمایتی نه تنها به بهبود معیشت و رفاه این جوامع کمک می‌کنند، بلکه با افزایش مشارکت و انسجام اجتماعی، زمینه‌ساز توسعه پایدار و حفظ فرهنگ و هویت آن‌ها می‌شوند. در جوامع کوچ‌نشین، ریسک‌پذیری به عنوان تمایل به انجام فعالیت‌هایی با احتمال سود و زیان، محرک نوآوری و بهبود معیشت است، اما این تمایل تحت تأثیر عواملی مانند فرهنگ، اقتصاد و دسترسی به اطلاعات قرار دارد. بنابراین، افزایش اعتماد به نفس، دانش و مهارت‌های افراد، همراه با حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب، برای مدیریت بهینه ریسک و تقویت تاب‌آوری اقتصادی این جوامع ضروری به نظر می‌رسد. توسعه زیرساخت‌های اساسی (گردشگری، رفاهی-اجتماعی، حمل و نقل) نقش محوری در ارتقای تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین ایفا می‌کند. توسعه گردشگری با ایجاد منابع درآمدی متنوع و حفاظت از میراث فرهنگی، به کاهش وابستگی اقتصادی به منابع سنتی و تقویت هویت جمعی کمک می‌کند. رویکردهای یکپارچه، با تأکید بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تاب‌آوری، امکان توسعه پایدار و فراگیر جوامع کوچ‌نشین را فراهم می‌سازد. بهبود تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین مستلزم اتخاذ رویکردی جامع و مبتنی بر شواهد به استراتژی‌های بازار و فروش است. نتایج نشان می‌دهند که ترکیب این استراتژی‌ها، با تکیه بر اصول اقتصاد توسعه و مدیریت زنجیره ارزش، می‌تواند به افزایش تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین در برابر شوک‌های بازار و تغییرات محیطی کمک کند. تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین مستلزم دیدگاهی فراگیر است که نه تنها به راهکارهای اقتصادی توجه داشته باشد، بلکه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این جوامع را نیز مد نظر قرار دهد. بنابراین، هر نوع برنامه‌ریزی با هدف افزایش تاب‌آوری جوامع کوچ‌نشین باید با اتکا بر این توانمندی‌های اجتماعی و از طریق رویکردهای مشارکتی و توانمندسازی انجام شود. تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین، ارتباطی تنگاتنگ با فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی آن‌ها دارد. این عناصر فرهنگی نه تنها به عنوان میراثی ارزشمند، بلکه به عنوان سرمایه‌هایی بالقوه برای توسعه اقتصادی پایدار قابل تعریف هستند. بنابراین، برای ارتقای تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین، ضروری است که به فرهنگ، هویت و سنت‌های بومی به عنوان عواملی کلیدی توجه شده و برنامه‌های توسعه اقتصادی بر پایه این دارایی‌های ارزشمند طراحی شوند. تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین، سیستمی پیچیده و چندوجهی است که نیازمند مدیریت منابع و برنامه‌ریزی راهبردی آگاهانه است. این مدیریت باید با رویکردهای سیستماتیک، نهادی، رفتاری و اجتماعی همسو باشد تا چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این جوامع را به درستی درک کند. در نتیجه، جوامع کوچ‌نشین قادر خواهند بود در برابر شوک‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مقاوم‌تر شوند و معیشت خود را به شکل پایدار حفظ کنند. کارآفرینی و نوآوری اجتماعی نقش حیاتی در تقویت تاب‌آوری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین ایفا می‌کنند. ایجاد یک فرهنگ کارآفرینی، به همراه توسعه کسب‌وکارهای مشارکتی و استفاده از برندینگ و خلاقیت، به این جوامع امکان می‌دهد تا از منابع خود به شکل پایدارتری بهره‌برداری کنند و در برابر چالش‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مقاوم‌تر شوند. این عوامل با هم می‌توانند به تقویت تاب‌آوری اقتصادی و بهبود معیشت پایدار در جوامع کوچ‌نشین منجر شوند. پس حفظ نگرش‌های سنتی، با تقویت هویت فرهنگی و انسجام اجتماعی، می‌تواند به ایجاد یک حس قوی از تعلق و مسئولیت‌پذیری در بین اعضای جامعه کمک کند و آن‌ها را در برابر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی مقاوم‌تر سازد. انگیزه بخشی و بهبود عملکرد، یکی از عوامل کلیدی در ارتقای بهره‌وری و رضایت شغلی در جوامع کوچ‌نشین است. ایجاد یک نظام جبران خدمات عادلانه و شفاف، که بر اساس عملکرد و شایستگی افراد باشد، می‌تواند انگیزه و تعهد کارکنان را افزایش دهد و به بهبود عملکرد سازمانی کمک کند. این نظام باید شامل حقوق و مزایای مناسب، فرصت‌های آموزشی و پیشرفت شغلی، و همچنین قردادانی و تشویق از تلاش‌ها و دستاوردهای کارکنان باشد. متأسفانه در طبقه‌بندی برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی، معیشت کوچ‌نشینان در اولویت آخر و کارکنی از آن‌ها در اولویت اول قرار دارد؛ انگیزه‌بخشی و بهبود عملکرد، کیفیت زندگی و رضایت شخصی، امنیت اقتصادی و معیشت پایدار، سه پیامدی هستند که در نتیجه اجرای سیاست‌های راهبردی، قابل حصول هستند. به طور کلی بر اساس این پژوهش، اجرای برخی راهبردها می‌تواند ضمن بهبود تاب‌آوری اقتصادی،

به سازگاری جوامع کوچ‌نشین منجر شود؛ بر این اساس، سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی، تحول دیجیتال و فناوری نوین، زیرساخت‌های اساسی، جذب سرمایه و تامین مالی هوشمندانه، مدیریت منابع و برنامه‌ریزی راهبردی، کارآفرینی و نوآوری اجتماعی، بازار و استراتژی‌های فروش، هفت عامل راهبردی هستند که با اتخاذ و اجرای آن‌ها می‌توان تاب‌آوری اقتصادی را ارتقا داد. همچنین باید توجه داشت که استفاده از مسیر های درآمدی جایگزین، نیاز مند آموزش و مهارت آموزی به افراد کوچ نشین است و چون سیاست منسجمی بدین منظور طراحی نشده است، در گذر زمان شاهد فرصت سوزی در این حوزه هستیم و در این میان، وابستگی بیش از حد جوامع کوچ‌نشین به حمایت‌های دولتی می‌تواند باعث کاهش انگیزه برای تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی و افزایش وابستگی به یک منبع درآمدی شود و این موضوع می‌تواند انعطاف‌پذیری اقتصادی جوامع کوچ‌نشین را در بلندمدت کاهش دهد که لازم است راهبردهای کنترل‌کننده این موضوع تحت عنوان سیاست‌گذاری و حمایت‌های دولتی در کنار سایر راهبردها، با قدرت مورد توجه قرار گیرند. این یافته‌ها در پژوهش‌های جمینی و همکاران (۱۴۰۲)، میرزایی و همکاران (۱۴۰۲)، غزالی و زیبایی (۱۴۰۰)، چراغی و همکاران (۱۳۹۹) و شاطری و همکاران (۱۳۹۹) نیز مشاهده می‌شود و این موضوع اهمیت توجه به این عوامل و راهبردهای حاصل را دوچندان می‌کند.

در پژوهش حاضر دسترسی به صاحب‌نظران با سابقه نظری و تجربی در حوزه کوچ‌نشینی، تمایل پایین برای مشارکت در پژوهش و دسترسی دشوار به اعضای جوامع کوچ‌نشین به منظور نظرسنجی و افکارسنجی، از جمله محدودیت‌های پژوهش محسوب می‌شوند که باعث شدند روند پژوهش، بازه زمانی طولانی‌تری از نظر مشخص شدن اعضای نمونه و داده‌سنجی را طی کند. بنابراین بر اساس این محدودیت‌ها و بر مبنای نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادت پژوهشی و کاربردی ذیل ارائه می‌گردد:

پیشنهاد می‌شود نهادهای دولتی به جای سیاست‌های دستوری و تجویزی متمرکز، سیاست‌های نیمه متمرکز و منعطف را در حوزه کوچ‌نشینی اجرا نمایند و با کنترل نقش واسطه‌گران در بازارهای عشایر، نظام بازاریابی نوین را آموزش و اجرا نمایند تا کوچ‌نشینان بتوانند با ایجاد منابع درآمدی متنوع، بدون واسطه با مصرف‌کنندگان و نیازهای آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

- ✓ بررسی میزان سازگاری معیشتی و درآمدی کوچ‌نشینان با نقش واسطه‌های محیط‌های جغرافیایی متنوع؛
- ✓ بررسی تاثیر فشار روانی و محیطی بر تاب‌آوری کوچ‌نشینان ایران؛ و
- ✓ شناسایی علل کاهش رغبت نسل جوان به تداوم زندگی کوچ‌نشینی و گرایش به زندگی شهری.

سپاسگزاری

از اساتید محترم مشارکت‌کننده در تهیه و پاسخ به پرسشنامه‌ها کمال سپاسگزاری را داریم.

منابع

- آزموده، آرش و لفافچی، مینو (۱۴۰۳). تبیین پارامترهای انعطاف‌پذیری در طراحی اکوموزه مردم شناسی (مطالعه موردی: اقوام و عشایر قشقایی). فصلنامه پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، (۱)، ۱۷-۳۳.
- جعفری، محمدحسین؛ جعفری، حمید و علیزاده، کتابون (۱۴۰۲). ارزیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی اجرای طرح‌های اسکان بر کیفیت زندگی عشایر (مطالعه موردی: عشایر شهرستان خواف)، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، (۲۱)، ۶۷-۱۰۳.
- جمینی، داود؛ نظری، حمید؛ صیدایی، سید اسکندر و برقی، حمید (۱۴۰۲). بررسی تأثیر شاخص‌های کارآفرینی گردشگری بر توسعه پایدار روستایی در قلمروهای عشایری ایران (مطالعه موردی شهرستان اردل؛ استان چهارمحال و بختیاری)، مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، (۳)، ۶۱-۷۶.
- جوان، فرهاد و حجت‌شامی، سیروس. (۱۴۰۱). واکاوی ظرفیت‌های مغفول مانده گردشگری عشایری در ناحیه رضوانشهر، مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ-نشینان، (۱)، ۱۰۹-۱۲۲.
- حجی‌پور، محمد (۱۴۰۰). شکاف فضایی بنیان‌های اقتصادی عشایری در استان خراسان جنوبی. مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، (۲)، ۹۳-۱۱۰.
- شاطری، مفید و حجی‌پور، محمد، (۱۳۹۰). اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک نازدشت سرب شکوری، رضا و خدادادی، الهام. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر تغییر عناصر مکان ساز زندگی عشایری بر نارضایتی از اسکان. صفة، (۶۷)، ۴۵-۶۲.
- شهرکی، محمدرضا؛ شرافتمندراد، محسن؛ قاسمی اربان، یاسر (۱۴۰۲). آشکارسازی علل ترک دامداری بهره برداران عشایری شمال شرقی ایران. فصلنامه تحقیقات مرتع و بیابان ایران، (۴)، ۴(۳۰)، ۵۷۱-۵۸۹.

- صوبحی، راضیه؛ بارانی، حسین؛ خدقلی، مرتضی؛ عابدی سروستانی، احمد و طهماسبی، اصغر (۱۳۹۷). درک و سازگاری عشایر نسبت به تغییر پارامترهای اقلیمی منطقه سمیرم (مطالعه موردی: عشایر قشقای)، تحقیقات مرتع و بیابان ایران، ۲۵(۲) (پیاپی ۷۱)، ۴۳۸-۴۵۳.
- ضیائی، محمود؛ فقیهی، ابوالحسن؛ طهماسبی، اصغر و نعمتی، ولی (۱۴۰۰). طراحی الگوی مدیریت توسعه گردشگری عشایری با استفاده از رویکرد مدل سازی ساختاری-تفسیری، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۴(۵۳)، ۵-۲۷.
- غزالی، سمانه و زیبایی، منصور (۱۴۰۰). بررسی پایداری اقتصادی و زیست محیطی معیشت عشایر استان فارس با استفاده از منطق فازی، اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، ۱۵(۲)، ۸۹-۱۱۱.
- کلانتری، اکبر؛ امیرانتخابی، شهرام؛ شهرداری، رفعت و پورشیخیان، علیرضا (۱۴۰۲). تحلیل نقش توانمندی‌های محیطی - اکولوژیک در تحولات اقتصادی روستاهای قلمرو کوچ‌نشینان بخش کرگانرود شهرستان تالش، مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، ۳(۲)، ۴۵-۶۰.
- مولائی هنجین، نصراله (۱۴۰۰). تحلیلی پیرامون قلمرو کوچ‌نشینان ایران، مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، ۱(۱)، ۱-۱۸.
- مهدوی، مسعود؛ رضایی، پژمان و دادورخانی، فضیله. (۱۳۸۸). سنجش نگرش عشایر اسکان یافته نسبت به اسکان در چهارمحال و بختیاری. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲(۳)، ۱۳۷-۱۶۲.
- میرزاخانی، کریم؛ نوبخش، مهرداد و ادهمی، عبدالرضا. (۱۴۰۲). تبیین تاثیر بانکداری اجتماعی بر توسعه پایدار روستایی/عشایری با میانجی‌گری سرمایه اجتماعی. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۶)، ۳۸۳-۴۱۸.
- میرزایی، عباس؛ عبدشاهی، عباس و آرم، حسن (۱۴۰۲). تأثیر افزایش قیمت فرآورده‌های دامی بر وضعیت مراتع و معیشت عشایر: مراتع ممسنی. فصلنامه مرتع، ۳(۱۷)، ۴۲۶-۴۴۶.
- یاری حصار، ارسطو؛ ایمانی، بهرام؛ سعیدی تراکمه، محسن (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی کیفیت معیشت عشایر اسکان یافته در کانون جمعیتی سلین با عشایر کوچنده (مطالعه موردی: دهستان قشلاق بخش آبش احمد شهرستان کلپیر). مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، دوره ۳ پاییز و زمستان ۱۴۰۲ شماره ۲ (پیاپی ۶)، ۹۱-۱۰۴.
- Barton, H, Grant, M, Guise, R, (2003), shaping neighborhoods: Argued for health, Ahmed, S., Iqbal, Z., & Antahal, P. (2022). Impact of climate change on nomadic herders' livelihoods: a case study of the bakarwal tribe in the western himalay in india. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-2245838/v3>
- Ali, M., Cordero, J., Khan, F., & Folz, R. (2019). 'leaving no one behind': a scoping review on the provision of sexual and reproductive health care to nomadic populations. BMC Women S Health, 19(1). <https://doi.org/10.1186/s12905-019-0849-4>. <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>.
- Jiwasiddi, A., Schlagwein, D., Cahalane, M., Čećez-Kecmanović, D., Leong, C., & Ractham, P. (2024). Digital nomadism as a new part of the visitor economy: the case of the "digital nomad capital"chiang mai, thailand. Information Systems Journal, 34(5), 1493-1535. <https://doi.org/10.1111/isj.12496>
- Kayastha, R. B., Lee, W.-K., Shrestha, N., & Wang, S. W. (2023). Assessing the Livelihood Vulnerability of Nomads to Changing Climate in the Third Pole Region of Nepal. Land, 12(5), 1105. <https://doi.org/10.3390/land12051105>
- Motiei langrodi, s.h., ghadiri masoom, m., rezvani, m., nazari, a.h., sahnah, b.(2011), The Impact of Immigrant Returns to Rural Areas on Improving Residents' Livelihoods: A Case Study: Aqqala County, Human Geographical Research, 87, pp83-67.
- Sangare, M., Coulibaly, Y., Coulibaly, S., Dolo, H., Diabaté, A., Atsou, K., ... & Diop, S. (2020). Nomads' access to the current healthcare system is impaired by their perception of its cost, quality, and accessibility and by gender segregation in timbuktu, mali: a cross-sectional study.. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-18664/v1>
- Sazzad, S., Mithun, M., Mr, M., Ahmed, A., Samiullah, M., Hamid, M., ... & Sunny, A. (2024). Nomad fishers: a socially excluded and climate vulnerable fishing community in bangladesh.. <https://doi.org/10.20944/preprints202407.1150.v1>
- Traore, H., Chaverondier, R., Combary, A., Diallo, A., Ouédraogo, S., Kane, E., ... & Merle, C. (2022). How to improve access to tb care for the nomads? review of barriers and enablers for sahel nomadic populations.. <https://doi.org/10.1101/2022.05.06.22274767>
- Trisno, R., Husin, D., & Lianto, F. (2023). Reconceptualising nomadic architecture: from the body to the space creation. City, Territory and Architecture, 10(1), 1-18. [http://creativecommons.org/licenses/by/4.0.](http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)